

یک اتفاق ساده

صدادوسیما، اصلاح لازم دارد



کیوان کتیریان

● مهم‌ترین اتفاق فرهنگی هفته اخیر، تغییر در مدیریت سازمان صدادوسیما بود؛ جایی که محمد سرافراز بعد از تنها ۱۸ ماه مدیریت به‌مهم‌ترین و حساس‌ترین سازمان کشور، جایش را به عبدالعلی علی‌عسکری داد. اما رفتن سرافراز جدا از دلایلی که در رسانه‌ها مطرح شد، حتما دلایل دیگری دارد و شاید وضعیت نابسامان رادیو و تلویزیون و نیاز به یک رفرم واقعی را پیدآوری می‌کند. اهمیت گذر فوری صدادوسیما به‌عنوان یک رسانه پرنفوذ از وضعیت سنتی همیشگی و لزوم سبک‌شدن این نهاد فربه حالا دیگر به همه آشکار است و مدیری که نتواند این سازمان عریض‌وطول را، چه به لحاظ محتوایی، چه از حیث سازمانی و چه از نظر تکنولوژیک به‌روز کند و پایه‌های زمانه پرشتاب فعلی پیش برود محکوم به رفتن است. تلویزیون در شرایط فعلی در موضع ضعیفی قرار دارد. بی‌اعتمادی بخشی از مردم و مخاطبان، شکست از رقبای مجازی و تصویری داخلی و خارجی، ازسست‌دادن تعداد زیادی از نیروهای کارآمد در بخش تولید و حتی در جلو دوربین از جمله مواردی است که از منظر بیرونی شرایط رادیو-تلویزیون ایران را نامطلوب ترسیم می‌کند. رواج برنامه‌های اینترنتی کم‌کم مخاطبان جدی‌تری را به خود جذب می‌کنند از یک‌سو و غلبه شبکه‌های ماهواره‌ای بر تمام فضای خانواده و همچنین غیرجذاب‌بودن اکثریت قریب‌به‌اتفاق برنامه‌های تلویزیون ایران، زنگ خطر را برای این مهم‌ترین رسانه کشور به‌طور جدی به صدا درآورده است. صرفا علی‌عسکری نتواند با سرعت هرچه‌تمام‌تر، نه کار تغییر، که یک اصلاح محسوس و قابل‌رویت در سازمان پدید آورد، بعید است او نیز عمر مدیریتی طولانی داشته باشد.

خیلی دور خیلی نزدیک

تصویرسازی کتاب‌های مصور از سونیس

● **نیمه تاجیک**، نمایشگاهی از شش کتاب مصور زوج سونیسوی ۱۷ اردیبهشت در فرهنگ‌سرای ارسباران گشایش یافت. در آیین گشایش این نمایشگاه که محسن سلیمانی، رئیس فرهنگ‌سرای ارسباران، لیلی حاتری، مدیر آژانس ادبی کیا و مسئول نگارخانه ارسباران حضور داشتند، و انیمیشن پرندها و غول ماکارونی از کارهای زوج سونیسو آلبرتین و ژرمانو زولو پخش شد و در ادامه هم از تمیر یادبود این نمایشگاه رونمایی شد. در این آیین محسن سلیمانی در هنگام رونمایی تمبر و گفت: اهداف دو هدیه بشقاب قلمکار به این زوج، گفت: این هنرمندان در چند روزی که در تهران بودند، روزهای پرزحمتی داشتند؛ به‌ویژه دیروز که کارگاه تصویرسازی برگزار کردند. وی ادامه داد: از اینکه در این مدت ارتباط خوبی بین ایشان و سایر هنرچوها شکل گرفته، بسیار خوشحالم و ناراحتیم که چند روز دیگر ایران را ترک می‌کنند. هم فضای کاری این دو هنرمند و هم شخصیت خودشان پر از شادی است که به همه انرژی می‌دهد. قبل از گشایش نمایشگاه، پنجشنبه ۱۶ اردیبهشت نیز یک کارگاه با حضور آلبرتین و ژرمانو زولو و ۱۸ هنرمند تصویرساز ایرانی برگزار شد. ژرمانو درباره خلق آثار مشترکشان چنین می‌گوید: زمان شروع آشنایی با آلبرتین، هر دو بر آن بودیم تا اسب یک دیالوگ و گفت‌وگو را با هم بی‌ریزی کنیم. البته در وهله اول دیالوگ برای همه امری طبیعی و آسان به نظر می‌رسد؛ درصورتی‌که آنچه به نظر اکثر آثار دیالوگ به حساب می‌آید، چیزی جز مونولوگ و تگ‌نظری نیست! سخت‌ترین تیزر در دنیا گوش‌فراوان به دیگری و نقد آرا و نظرات خود است و «کتاب» بیش از هر چیزی مسئول این دیالوگ و گفت‌وگو بین متن و تصویر است. این نمایشگاه‌که با مشارکت انجمن تصویرگران، مؤسسه فرهنگی-ادبی کیا، بخش فرهنگی سفارت سونیس و فرهنگ‌سرای ارسباران برگزار می‌شود تا ۲۹ اردیبهشت ادامه دارد.

عسل عباسیان، سرانجام پس از حواشی بسیاری که در چند ماه اخیر برای مدیریت ایرج راد در خانه تئاتر ایجاد و پس از نقدهایی که توسط «کارگروه بهسازی خانه تئاتر» متشکل از علیرضا نادری، علی‌اصغر دشتی و حمید پورآذری به شیوه مدیریت این خانه وارد شد، ایرج راد اعلام کرد که دیگر مدیرعاملی این خانه را نخواهد پذیرفت.

علی‌اصغر دشتی، کارگردانی که از منتقدان شیوه مدیریت خانه تئاتر است و یکی از سه عضو کارگروه بهسازی، پس از انتشار خبر کناره‌گیری ایرج راد از مدیریت خانه تئاتر، در گفت‌وگو با «شرق» همچنان مواضع انتقادی‌اش را حفظ کرده و این پرسش‌ها را مطرح می‌کند: «مسئله اصلی خانه تئاتر، آقای راد است و اینکه چه کسی مدیرعامل خواهد شد یا فقدان ساختار سازمانی به‌روز شده؟ آیا در ساختار فعلی خانه تئاتر، اساسا کسی غیر از ایرج راد می‌تواند مدیرعامل آنجا شود؟ و اگر غیر از ایرج راد یکی از اعضای هیات‌مدیره، مدیرعامل شود باز هم تاریخ این خانه تکرار خواهد شد یا اتفاق جدیدی خواهد افتاد؟ آیا مسئله اصلی، ایرج راد است یا سازمانی است که دچار فقدان قوانین روشن و اصلاحیه در اساسنامه است؟ اینها پرسش‌هایی است که نمی‌توان شتاب‌زده به آنها پاسخ داد و در شرایطی آرام باید درباره‌اش صحبت کرد. من فکر نمی‌کنم با رفتن آقای راد مشکلات موجود در خانه تئاتر حل شود. تنها کسی که می‌تواند مدیریت خانه تئاتر را با مشکلات موجود ادامه دهد، اتفاقا شخص آقای راد است. چون وضعیت فعلی خانه تئاتر زاده ۱۵ سال شیوه مدیریتی اوست». دشتی در واکنش به خبری مبنی بر عدم‌تمایل راد به ادامه مدیریت خانه تئاتر می‌گوید: «در رسانه‌ها و جامعه تئاتری احیاناً تصور مدیریت مادام‌العمری ایرج راد وجود دارد که همه امروز حرف از استعفاي ایشان می‌زنند. ایشان احتمالا فقط عدم تمایل خود را برای مدیرعاملی دوره جدید اعلام کرده‌اند که این اتفاق طی سال‌های اخیر بار رخ داده و دیده شده که ایشان اتفاق دوباره مدیر خانه تئاتر شده‌اند».

اما واکنش بهروز غریب‌پور به خبر کناره‌گیری ایرج راد از مدیرعاملی خانه تئاتر چنین است: «ایرج راد طی این سال‌ها خانه تئاتر را سرپا نگه داشته و در شرایط مختلف، موقع بحران‌های مالی و دیگر بحران‌ها، این تشکیک را حفظ کرده و طبیعی است همچنان بهترین گزینه برای مدیریت خانه تئاتر باشد. انتقاد به هرکسی ممکن است وجود داشته باشد؛ به یکی بیشتر و به یکی کمتر. خانواده تئاتر باید قدر ایرج راد را بداند که با وجود همه اختلاف‌سلاقی که در خانه تئاتر است، ایشان سعی کرده با درنظرگرفتن همه سلاقی، این خانه را حفظ کند. اگر هیات‌مدیره

یک بررسی جامع کند، به این نتیجه خواهد رسید که انتخاب مجدد ایرج راد برای سمت مدیرعاملی به‌نفع خانه تئاتر است، چراکه سابقه و تجربه و اندوخته‌های ایشان طی این سال‌ها قطعا برای آینده این خانه نیز راهگشا خواهد بود.

اما فقدان ایده‌های به‌روز در مدیریت خانه تئاتر، یکی از نقدهای جدی به مدیریت این سال‌های خانه تئاتر است. غریب‌پور درباره این نقدها نیز می‌گوید: «باید دید ظرفیت خود این تشکیلات چقدر است و بعد نقدها را مطرح کرد. چه کارآمدی درحال حاضر، موجود است که جایگزین این نبود کارآمدی‌ای که منتقدان از آن یاد می‌کنند شود؟ اگر مدیریت ایرج راد تداوم پیدا کند با این شرط که در مواجهه با نظرات مخالفش، منطق داشته باشد و با منتقدانش تعامل کند، نهایتا به‌نفع خانواده تئاتر است. باید استدلال‌های او را هم شنید. وظیفه هیات‌مدیره جدید این است که او را نقد کرده و از او پاسخ بگیرد. اگر او نقدها را پذیرفت، که مدیریتش ادامه خواهد داشت، اگر نپذیرفت، فردی دیگر جایگزین او خواهد شد. اما من تغییر مدیریت در این مقطع را به‌صلاح خانواده تئاتر نمی‌دانم.

بهزاد فراهانی، یکی از اعضای هیات‌مدیره جدید خانه تئاتر نیز درباره ماجرای کناره‌گیری راد می‌گوید: «در خانه تئاتر ما شورای‌عالی داریم که برآمده از رأی‌گیری مجمع عمومی است. این مجمع که برگزار شد، هفت‌نفر برای عضویت هیات‌مدیره انتخاب شدند، همراه با سه علی‌البدل و دو بازرس. در دوره جدید باز باید مدیرعامل انتخاب کنیم. ما به ایرج راد پیشنهاد کردیم که مدیریتش را ادامه دهد اما ایشان نپذیرفتند. ما هم به فکر گزینه‌های دیگری همچون بهروز غریب‌پور و حسین پاکدل افتادیم».

اما چرا هیات‌مدیره خانه تئاتر ترجیح می‌دهد کسی را بیرون از اعضای خودش برای مدیرعاملی منصوب کند؟ فراهانی پاسخ می‌دهد: «یک

فرجام خانه تئاتر چه خواهد شد؟

همه موافقان و مخالفان «راد»



بهروز غریب‌پور

شخصیت تازه و کارکشته و باتجربه می‌تواند به نیروی ما اضافه کند و نیروی ما با حضورش دوجندان شود. من فکر می‌کنم اگر مدیرعامل بعدی از اعضای هیات‌مدیره نبوده و فردی از بیرون باشد تا به هیات‌مدیره کمک کند، برای آینده تئاتر بهتر است.»

پس از اینکه فراهانی، غریب‌پور را به‌عنوان گزینه احتمالی مدیرعاملی خانه تئاتر معرفی می‌کند، طی تماسی مجدد با غریب‌پور از او می‌پرسیم مدیریت این خانه را خواهد پذیرفت؟ او و که همچنان مدافع ابقای ایرج راد است، می‌گوید: «مطلقا به‌قدری کارها و گرفتاری‌های شخصی دارم که فرصت نمی‌کنم. در خانه تئاتر باید کسی مدیر باشد که تمام وقش را به این خانه اختصاص دهد. امیدوارم آقای فراهانی و سایر اعضای هیات‌مدیره با یک ارزیابی به همان نتیجه‌ای که من رسیدم، برسند. مگر اینکه هیات‌مدیره قائم‌مقامی انتخاب کند که راه و روش مدیریت این خانه را از ایرج راد فراگیرد و در آینده وقتی خود هیات‌مدیره صلاح دانست، او جایگزین شود. متأسفانه نظام مدیریتی ما، مشکلاتی دارد که مشکلات را باید دوستان خانه تئاتر درک کنند. نمی‌توان هرروز با سایر سازمان‌ها در جنگ بود. برای گاستن تنش‌ها و گزینش راه‌حل‌ها باید خانه تئاتر با مدیریت آقای راد، راهش را ادامه دهد. درست در شرایطی که خانه تئاتر مکان جدید افتتاح کرده، وقتی مدیریت به کس دیگری محول شود، بسیاری از امور بر زمین می‌ماند. هیات‌مدیره لاقال باید یک‌سال ایشان را ابقا کند؛ حضور یک قائم‌مقام، تا انتقال مدیریت بعدها آسان‌تر صورت گیرد و تشتت به وجود نیاید». اما حسین باکدل، هنرمندی که سابقه مدیریت درخشان تئاتر شهر را در کارنامه خود دارد، یکی دیگر از گزینه‌ها برای مدیریت خانه تئاتر است. او در گفت‌وگو با «شرق» می‌گوید «اصلا» این مدیریت را نخواهد پذیرفت: «دوستان لطف دارند، ولی من مشغول

نوشتن نمایش‌نامه خودم هستم و نه برای پذیرش این سمت آمادگی دارم و نه تمایل دارم که مسئولیتی را در این حوزه قبول کنم». اما این اتفاق بهانه‌ای می‌شود تا پاکدل پیکان انتقاد را به سمت خود جامعه تئاتری بگیرد و خودانتقادی کند: «واقعیت این است که ما اساسا روحیه تشکیلاتی نداریم. نهاد صنفی ما تا زمانی که نتواند دموکراسی‌ای را که در ذات هنر هست در مدیریت هنر، نهادینه کند، مشکلات ادامه دارند. درست و سنجیده رفتارکردن در هنر، مثل سکوت به‌موقع لابه‌لای نته‌های موسیقی الزامی است. به قول حسین پناهی عزیز، اگر سکوت را از موسیقی بگیري، سوت کشدار آزاردهنده‌ای می‌شود. بنابراین هارمونی‌ای که در ذات هنر هست، باید در مدیریت ما هم باشد. ما باید در تمنا و حضور و رفتارمان همیشه آن چیزهایی که روی صحنه و در نوشته‌هایمان شعارش را می‌دهیم در وجود خودمان نیز نهادینه کنیم. به نظر من نه‌فقط در خانه تئاتر، برای فعالیت‌های صنفی و احقاق حقوق و تثبیت موقعیت و حرکت به سمت جلو نیازمند آموزش هستیم، بلکه لازم است منافع جمعی را بر منافع فردی ترجیح دهیم. طبیعتا وقتی منافع جمع لحاظ شد، من فرد هم از فضای ایجادشده بهره‌مند می‌شوم. تا وقتی آموزش وجود ندارد، ما نباید توقع حل مسائل توسط یک‌نفر را داشته باشیم. ایرج راد طی این سال‌های مدیریتش خیلی اخودگذاشتگی کرد. از سال اولی که خانه تئاتر افتتاح شد، اگر تلاش‌های بی‌وقفه و حضور او نبود، مطلقا خانه تئاتری به این شکل وجود نداشت. او تلاش کرد و از خودش بی‌چشمداشت مایه گذاشت، خیلی از امکاناتی را که برایش در بازیگری و کارگردانی فراهم بود نادیده گرفت تا این نهاد در بحران‌های مختلف سیاسی - اجتماعی سرپا بماند. همه مشکلات از فقدان روحیه همراهی ما نشئت می‌گیرد و تا زمانی که خودمان درست نشویم، همواره اول راهیم و هرروز باید چرخ را از نو اختراع و از صفر شروع کنیم. وقتی مدیری با رای اکثریت، منصوب شده، باید از او تاسی کنیم. اما متأسفانه این روحیه بین ما وجود ندارد، درحالی‌که دیده شده کله‌پزا و خیاط‌ها، و سایر صنف‌ها هم پشت هم ایستاده‌اند، ما پشت هم را خالی می‌کنیم. تا وقتی که ما حرف‌هایمان را به‌جای بازگوکردن در محافل صنفی و به صورت رودررو، در مطبوعات فریاد می‌زنیم اوضاع همین است.»

در شرایطی که حضور ایرج راد در سمت مدیریت خانه تئاتر، موافقان و مخالفانی دارد و خود او نیز از ادامه مدیریت انصراف داده و البته افرادی همچون پاکدل و غریب‌پور تمایلی به مدیریت خانه تئاتر ندارند، باید منتظر ماند و دید سرانجام چه کسی مدیریت این خانه را برعهده می‌گیرد؟

منتقد فیلم ساکن در فرانسه، فیلم فوق اثری برجسته در کن امسال است. در تقابل با او رضا میرکرمی کار را معمولی ارزیابی می‌کند.

ماجرای زیرنویس فیلم‌های ایرانی

هنوز خبری از فیلم‌های ایرانی در جشنواره نیست و دو فیلم ایرانی بخش‌های مسابقه و نوعی نگاه، در روزهای آخر به نمایش درمی‌آیند. در صحبت با ریچارد لورمن، یکی از مدیران گروه‌های تبلیغی فیلم‌های ایرانی در کن، از او درباره فیلم‌های جدید ایرانی پرسیدم. ریچارد به مدیر تبلیغاتی فیلم «ازدها وارد می‌شود» و همچنین «وارونگی» است. گفت که کیفیت فیلم‌های ایرانی نسبت به چندسال گذشته تغییر بسیاری کرده و بسیار بهتر شده. یکی از نکات جالبی که او مطرح کرد، مشکل زیرنویس فیلم‌های ایرانی است. فیلم‌های ایرانی معمولا دیالوگ‌های زیادی دارند و این کار فهم این فیلم‌ها را برای بینندگان خارجی سخت می‌کند. این‌طور که از صحبت‌هایش فهمیدم، فیلم «دایره» پناهی اولین‌بار در کن رد شد؛ از آنجا که بسیاری دیالوگ‌های آن را نفهمیده بودند. بعد از شنیدن این خبر، ریچارد روی دیالوگ‌ها کار کرد و تمامی آنها را از ابتدا نوشت و نتیجه آن شد که این فیلم در ونیز پذیرفته شد. ریچارد همین پروسه را برای فیلم «وارونگی» به کار برده و تمامی دیالوگ‌های فیلم را از نو نوشته و کاری کرده تا فیلم برای بیننده خارجی قابل‌درک شود. شایعات حاکی از آن است که همین بلا هم بر سر فیلم اصغر فرهادی آمده. می‌گویند که فیلم او ابتدا رد شده و بعد با واسطه‌گری و با اذعان این نکته که دیالوگ‌ها قابل‌فهم نبوده و بعد از تغییر زیرنویس فیلم پذیرفته شده است. اگر این شایعه راست باشد، باید گفت که سرنوشت بخش اعظم فیلم‌های ایرانی وابسته به زیرنویس‌های آنهاست. آیا امکانات داخل ایران به حدی هست که اجازه ترجمه خوب انگلیسی اثر را به فیلم‌ساز بدهد؟ تا چه حد در این چندین‌دهه متخصص تفکر تیم هنری است. به نظر محمد حقیقت،

«عادت نمی‌کنیم» و «لانتوری»

برگزیدگان عکاسان سینما شدند

صادقی دیگر عکاسی بود که جایزه‌اش را از رضا صفایی‌پور دریافت کرد. در بخش دیگر تقدیرهای جشن عکاسان سینما از چهار چهره سینمایی که نگاه ویژه‌ای به عکاسی فیلم دارند نیز تقدیر شد. تهمینه میلانی از جمله این چهره‌ها بود که با تشویق حضار روی صحنه حاضر شد و لوح تقدیرش را از دست‌ان مریلا زارعی دریافت کرد. میلانی در صحبت‌هایش گفت: عکس فیلم در کنار جاذبه‌هایش این روزها تبدیل به عنصر خطرناکی شده و عکاسان باید از عکس‌های خود مراقبت کنند و این موضوع می‌تواند برای سینما خطرناک باشد. همان‌طور که من برای این موضوع یک سال است که به دادگاه می‌روم. مریلا زارعی نیز در

زیر آسمان فیروزهای

پس از ۱۰ سال در جشنواره فیلم سبز

برده نقره‌ای دوباره سبز شد

● **شرق**: مراسم افتتاحیه «پنجمین جشنواره بین‌المللی فیلم سبز» بعد از ۱۰ سال وقفه جمعه ۲۴ اردیبهشت با حضور معصومه ابتکار، معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان حفاظت محیط زیست و جمعی از مدیران سینمایی و هنرمندان سینمایی و تجسمی در سالن سینما فلسطین برگزار شد. فرهاد توحیدی، دبیر پنجمین جشنواره بین‌المللی فیلم سبز، در ابتدای مراسم ضمن خیرمقدم‌گفتن به میهمانان گفت: «بعد از وقفه‌ای ۱۰ساله این جشنواره که دوسالانه برگزار می‌شد، خوشبختانه امسال به همت مدیران نیک‌اندیش سازمان حفاظت محیط زیست، به‌ویژه معصومه ابتکار این جشنواره در حال برپایی است». وی افزود: «وال استیتس، فیلسوف انگلیسی، می‌گوید حقیقت می‌تواند باعث هلاک ما شود. او توصیه می‌کند که بهتر است چشم بر حقایق ببندیم و با توهمات کوچکی مثل شیرینی پول، ارزش شهرت و اقتدار و قدرت زندگی کنیم؛ چون اگر دراییم که این‌امور تا چه اندازه بوج هستند، زندگی دشوار و تلخ و تحمل‌ناپذیر می‌شود». توحیدی با بیان اینکه شکندنگی نگران‌کننده محیط زیست در همه ابعاد متصور آن منشأ گفت‌وگو و مبنای عمل جهانی شده، توضیح داد: «توافق ۱۹۰ کشور جهان در کنفرانس تغییرات اقلیمی در پاریس بر سر کاهش ورود آلاینده‌ها به جو و حادثه میزان افزایش دمای زمین نشانه‌ای است از سودمندی گفت‌وگو و چشم‌گشودن بر حقیقت تلخی که می‌تواند باعث هلاک زمین شود». نیکولای نیمان، رئیس جشنواره فیلم سبز برلین هم در این مراسم سخنرانی کرد. در ادامه مراسم معصومه ابتکار، محمدعلی سجادی، علیرضا تابش، شبنم خانی و مهدی قربانپور برای تقدیر از خسرو معصومی روی صحنه آمدند. سجادی درباره اهمیت فیلم‌سازی معصومی گفت و ابتکار از این فیلم‌ساز به‌خاطر اینکه درباره محیط زیست فیلم ساخته، تشکر کرد؛ همچنین شبنم قلی‌خانی، از سختی کار فیلم‌سازان علاقه‌مند به محیط زیست گفت.

ترخیص شریف و ظریف از «عرفان»

● **مریم میری**: فرهنگ شریف و هوشنگ ظریف دو نوازنده توانمند تار که در بیمارستان بستری شده بودند، روز جمعه پس از بهبود نسبی مرخص شدند. فرهنگ شریف که به علت عفونت ریه و مثانه از اوایل هفته گذشته در بخش «آی‌سی‌یو» بیمارستان «عرفان» بستری بود، در پی بهبود در روند بیماری به منزل منتقل شد تا ادامه درمان در منزل صورت بگیرد. فرهنگ شریف از تک‌نوازان و بداهه‌نوازان سرشناس اصیل موسیقی ایرانی است که نواختن ساز را نزد عبدالحسین شهنازی و مرتضی نی‌داوود فرا گرفت، اما سبک و سباق منحصربه‌فرد خود را در نواختن دارد و صدای سازش از ساز هیچ نوازنده‌ای غیر از خودش شنیده نشده است. به گفته همسرش، خانم رضایی، به علت بستری‌بودن این نوازنده در بخش «آی‌سی‌یو» کسی اجازه ملاقات با او را نداشت؛ بااین‌حال همسرش به «شرق» می‌گوید پشتیبانی روحی و روانی در روند بهبود او تأثیر بسزایی دارد و حتی یک احوالپرسی مهربانانه می‌تواند او را از بستر بیماری بلند کند. او درباره بیماری همسرش می‌افزاید: «حدود یک‌سال است که شریف به علت پیشامد بیماری دیگر به صورت حرفه‌ای ساز نمی‌زند؛ اما قبل از آن تنها خواسته‌ای که هرگاه مسئولان صدادوسیما به دیدارش می‌آمدند مطرح می‌کرد، این بود که به یاد برنامه جاویدان «گل‌ها» و به یاد «جلیل شهناز» و «پرویز باقعی» چند دقیقه‌ای در رادیو و یا تلویزیون بنوازند؛ خواسته‌ای که تاکنون اجابت نشده است». همچنین هوشنگ ظریف که او نیز به علت ناراحتی ریوی به مدت ۱۵ روز در همان بیمارستان تحت مراقبت تیم پزشکی بود، با حاصل شدن بهبود نسبی و شرایط بهتر تحت نظر خانواده و پزشک به منزل مراجعت کرد. هوشنگ ظریف نیز نوازنده تار است و او نیز نزد «علی‌اکبر شهنازی» آموختن ساز را آغاز کرده است؛ اما در نواختن ساز سه‌تار و تنبک نیز تبحر دارد. شریف و ظریف از دوستان نزدیک هم هستند که در روزگار بیماری نیز همدیگر را تنها نمی‌گذارند.

تابلوی فرشچیان در حمایت از محیط‌زیست

● نگارگری با محیط‌زیست پیوند خورد. محمود فرشچیان تابلویی با موضوع محیط‌زیست خلق کرد. محمود فرشچیان اثر «سیمرغ» را به پیشنهاد آیت‌الله جوادی‌آملی و «محیط‌زیست، انسان و طبیعت» را به پیشنهاد معصومه ابتکار، رئیس سازمان حفاظت محیط‌زیست، خلق کرده است. فرشچیان در مراسم رونمایی از این تابلوها که صبح دیروز، ۲۵ اردیبهشت در مجموعه فرهنگی - تاریخی سعدآباد برگزار شد، گفت: سیمرغ سمبلی از انسان‌هاست و نشان می‌دهد ما انسان‌ها همیشه در سست‌جوی حقیقت هستیم. در نمایشگاه سال گذشته که خام ابتکار نیز حضور داشتند، چند تابلو با مضمون طبیعت را به نمایش گذاشته بودم. این مسئله مطرح شد که چرا تابلویی در رابطه با محیط‌زیست خلق نمی‌شود، برای همین تابلوی «محیط‌زیست، انسان و طبیعت» را کشیدم. در گوشه‌ای از اثر، دیوی دیده می‌شود که آلاینده محیط‌زیست است و همه‌جا را آلوده کرده است. در سوی دیگر فرشته‌هایی حضور دارند که محیط‌زیست را پاک می‌کنند.

گاهی

کارگردان:

محمد رضا رحمانی

برنامه‌سندای
پرویس سینمایی فرهنگ
پرویس سینمایی کورش
پرویس سینمایی چارسو
خانه هنرمندان، موزه سینما
پرویس سینمایی میز، (مشهد)
تالار سینمایی سوره (اصفهان)
هنر و تجربه (تهران)
پرویس سینمایی پرشین (کرج)

aeinema.ir

